

## مؤلفه‌های مؤثر در تربیت مذهبی فرزندان\*

- محمد ثامنی<sup>۱</sup>
- رضا حق‌پناه<sup>۲</sup>

### چکیده

اجرای تربیت مذهبی بدون شناخت مؤلفه‌های مؤثر در آن امری غیرممکن است. با مراجعه به متون اسلامی و تربیتی می‌توان گفت که چهار عامل عمده در تربیت مذهبی فرزندان مؤثر هستند. این عوامل عبارتند از: وراثت، فطرت، تغذیه و عوامل محیطی و وابسته به محیط (که شامل مصادیق فراوانی است). بر این اساس، در این نوشتار به تبیین نقش هر یک از این مؤلفه‌ها در تربیت مذهبی فرزندان و اهمیت آن می‌پردازیم. واژگان کلیدی: تربیت مذهبی، فرزندان، والدین، محیط.

پرورش اخلاقی و معنویت از مهم‌ترین ویژگی‌های تربیت مذهبی است. اسلام به منظور پرورش انسان‌های پرهیزکار و شایسته در صدد ارائه الگوی مناسبی از

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴.

۱. سطح سه حوزه، مشاور خانواده و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (نویسنده مسؤل)

چگونگی تربیت مذهبی و معیارها و مؤلفه‌های تربیت مؤثر در تربیت مذهبی است. نکته اول در پرورش اخلاق و معنویت، شناخت مؤلفه‌ها و معیارهای مؤثر در تربیت مذهبی است.

از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت مذهبی، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

### ۱. عامل وراثت

از عوامل مهم در تربیت و شکل‌گیری شخصیت انسان، عامل وراثت است. انسان‌ها ساخته پدر و مادر و اجدادشان می‌باشند و بسیاری از خصوصیات جسمی و عقلی و روانی آنها را از طریق ژن‌های عامل وراثت به ارث می‌برند. در دین اسلام نسبت به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی والدین بر فرزندان توجه بسیاری شده است و پیامبر اسلام ﷺ نیز توصیه‌های خاصی در مورد انتخاب همسر و ازدواج نموده است و می‌فرماید: «أَنْظِرْ فِي أَيِّ نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲۵، ۲۵۱)؛ بنگر که فرزندان را در چه نسل و نژادی قرار می‌دهی زیرا رگ و ریشه خانوادگی در فرزند اثر می‌گذارد.

همچنین می‌فرمایند: «تزوجوا فی الحجر الصالح، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَاسٌ» (متقی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ۲۹۶)؛ با خانواده‌های صالح ازدواج کنید که خصوصیات مادر به فرزندان منتقل می‌شود.

تأکید پیامبر ﷺ بر انتخاب همسر شایسته نشان می‌دهد که اسلام به تأثیر عوامل ارثی در رشد و تکوین شخصیت فرد توجه دارد. به نظر می‌رسد وراثت می‌تواند تربیت دینی را به سه صورت تحت تأثیر قرار دهد:

نخست آن که می‌تواند کودک را تربیت پذیر یا تربیت ناپذیر کند. اگر کودکی بر اثر اختلاط‌های وراثتی دچار عقب‌ماندگی ذهنی یا دیوانگی شود، قابلیت تربیت ندارد. به عکس، کودکی که از نظر ذهنی و روانی در سطح

متوسط یا بالاتر است، به آسانی قابل تربیت دینی است. بنابر این وراثت می‌تواند زمینه تربیت دینی را در کودک فراهم یا نابود کند.

﴿۱۰۷﴾

دوم آن که تأثیری مستقیم بر آموزش معارف دینی دارد. کودکانی که از بهره هوشی متوسط و یا بالاتر برخوردارند به آسانی می‌توانند معارف دینی را بیاموزند. هر اندازه بهره هوشی آنها از متوسط پایین‌تر باشد، به همان اندازه آموختن و فهم معارف دینی برای آنان دشوارتر است. افزون بر این، میزان بهره هوشی افراد بر میزان پیشرفت آنها در تربیت دینی تأثیر می‌گذارد. به هر اندازه بهره هوشی فرد بیشتر باشد، می‌تواند به مدارج بالاتری از رشد و کمال دینی برسد، به ویژه که میزان توانایی فهم معارف دینی به نوبه خود بر سایر ابعاد تربیت دینی، مانند عبادات، اعتقادات و صفات اخلاقی تأثیر می‌گذارد.

سوم آن که وراثت می‌تواند موجب پیدایش برخی صفات مانند ترس، شجاعت و... در فرد بشود. اگر این صفات با صفات مورد نظر اسلام همخوانی داشته باشند، کار تربیت دینی را آسان می‌کنند و اگر با صفات مطلوب اسلام همخوانی نداشته باشند، کار تربیت دینی را دشوار می‌سازند.

قانون وراثت و تأثیرگذاری آن در تربیت مورد تأیید معصومین علیهم‌السلام نیز می‌باشد و واژه عرق در روایات، که امروز در محافل علمی جهان از آن به ژن تعبیر می‌شود، عامل وراثت معرفی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۴۶).

برای وراثت دو اصل مشهور وجود دارد:

۱. تمامی عوامل ژنتیکی که هنگام انعقاد نطفه وجود دارد، در تعیین وراثت سهم است؛

۲. ظهور و بروز ویژگی‌های ارثی، نیازی به یادگیری و تمرین ندارد (قریشیراد، ۱۳۷۶، ۸۵).

در روایات اسلامی نیز بر نقش وراثت در انتقال صفات و ویژگی‌های جسمانی و روانی والدین بر فرزندان تأکید بسیار شده است. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: چون اراده خداوند بر آفرینش انسانی تعلق گیرد، تمامی

ویژگی‌های اجداد وی تا حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرد می‌آورد و او را با ویژگی‌های یکی از آنان می‌آفریند. طبق این روایت نه تنها والدین و سایر بستگان در وراثت نقش دارند، بلکه نسل‌های گذشته فرد نیز در ویژگی‌های فرد نقش بازی می‌کنند (قریشی‌راد، ۱۳۷۶، ۹).

با توجه به آنچه گفتیم روشن شد دلیل تأکید اسلام بر انتخاب همسر مناسب و در نظر گرفتن اقوام و نزدیکان همسر به خاطر نقش وراثت در انتقال صفات و ویژگی‌های روانی و شخصیتی به فرزند است. در برخی از روایات آمده است که اگر کسی می‌خواهد همسری انتخاب کند، باید درباره او تحقیق کند، او را بشناسد و از روحیات اش آگاه گردد تا مبادا به آفت‌ها یا بیماری‌های نفسانی دچار باشد و در نتیجه، این بیماری‌ها به فرزندان سرایت کند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِنَفْسِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (متقی، ۱۳۸۷، ۲۹۵)؛ در انتخاب همسر دقت کنید، زیرا ویژگی‌های پدران و مادران، به [کودکان] ارث می‌رسد.

همچنین در روایات تأکید شده است که در انتخاب همسر دقت کنیم؛ چرا که زنان فرزندی مانند برادرانشان می‌آورند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «اخْتَارُوا لِنَفْسِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدَ الضَّجِيعِينَ» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۵، ۳۳۲)؛ برای نطفه‌های خود جایگاه مناسبی اختیار کنید که دایی در خصوصیات فرزند مؤثر است.

## ۲. فطرت

لفظ فطرت به معنای نوعی خاص از آفرینش است و کاربرد آن فقط برای انسان می‌باشد. فطرت انسانی یعنی ویژگی‌های ذاتی که در آفرینش انسان لحاظ شده است و اکتسابی نیستند. قرآن کریم درباره فطرت می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/۳۰)؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است، آفرینش

خداوند تغییرپذیر نیست، این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.<sup>۱</sup>

شهید مطهری رحمته‌الله درباره نقش فطرت در تربیت انسان می‌گوید:

﴿۱۰۹﴾

اگر فطرت و فطریات انسان را بپذیریم، آن فطریات باید در تربیت او در نظر گرفته شود. اساساً واژه تربیت به معنی رشد و پرورش دادن است و پرورش دادن وقتی معنی پیدا می‌کند که وجود یک سلسله استعدادها و ویژگی‌ها را در انسان پذیرفته باشیم. معلم و مربی مانند باغبان است نه مانند صنعت‌گر یا نجار، باغبان گل و درخت را پرورش می‌دهد، اما صنعت‌گر، مصنوعات خود را می‌سازد. مربی استعداد عقلانی و فکری انسان را رشد می‌دهد. استعداد خداجوی انسان را پرورش می‌دهد و احیاناً هدایت می‌کند، پس فطرت با تربیت ارتباط دارد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ۴۵۴).

بنابر این امور فطری به صورت بالقوه در وجود تمام انسان‌ها وجود دارند و در واقع عوامل دیگر هستند که موجب رشد و یا نابودی فطرت پاک فرزندان می‌شوند.

از این جا به برخی از موانع شکوفایی فطرت اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از موانع شکوفایی فطرت خداجوی انسان، آلودگی روح به گناهان است. اصولاً آلودگی گناهان، دل را از خدا دور می‌کند و پاکی و لطافت نخستین آن را از بین می‌برد. فطرت چنین انسانی نمی‌تواند شکوفا شود. همچنین آلوده بودن محیط و غرق شدن جامعه در شهوت‌پرستی و هوای نفس، تحریک شهوات و تن‌پروری و حیوان‌صفتی از عوامل انحراف و یا بی‌اثر شدن فطرت الهی انسان است. استاد مطهری رحمته‌الله می‌نویسد:

این‌ها با هرگونه احساس تعالی اعم از مذهبی یا اخلاقی یا علمی یا هنری، منافات دارد. آدم شهوت‌پرست حتی احساس عزت و شرافت و سیادت و شهامت و شجاعت را از دست می‌دهد و اسیر شهوت می‌شود و جاذبه‌های معنوی او را نمی‌کشد. همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «خدا فاسقان را راهنمایی نمی‌کند»!

۲. عامل دیگری که ممکن است مانع هدایت فطری انسان شود، محیط

نامناسب است. در جامعه‌ای که عقیده رسمی، ماتریالیسم و الحاد است، شنیدی ندای فطرت و پاسخ درست به آن، مانند حرکت به خلاف جهت رودخانه است و ممکن است باعث از دست دادن موقعیت‌های اجتماعی شود.

۳. بیان نادرست مفاهیم دین، به صورت ایجاد تصور نامعقول و غیرعلمی از خدا و صفت او یا ایجاد تعارض میان دین و سایر فطریات و تمایلات طبیعی بشر نیز از عوامل سرکوبی فطرت مذهبی است.

متقابلاً بعضی عوامل، فطرت و امور فطری را تقویت می‌کنند؛ عواملی همچون پاک بودن از گناه و معنوی بودن جامعه و محیط و بیان عالمانه و صحیح مفاهیم دین، با وجود این عوامل، فطرت خداجوی انسان به راحتی انسان را هدایت می‌کند و او نیز به ندای فطرت پاسخ می‌دهد. ترویج فساد و لهو و لعب بین جوانان از سوی دشمنان به منظور خاموشی و یا انحراف همین فطرت پاک صورت می‌گیرد (موسوی فراز، ۱۳۸۷).

### ۳. تغذیه

هر چند از دیدگاه اسلامی، حقیقت انسان جنبه روحانی و معنوی اوست و هدف اصلی تربیت نیز پرورش حس دینی و رسیدن آنان به کمالات معنوی می‌باشد، ولی با وجود این، جنبه جسمانی او را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا جسم و روح با هم رابطه متقابل دارند و هر کدام بر دیگری تأثیر می‌گذارند و جسم براق روح است، عروج بدون سلامت جسم دشوار است.

در حدیث معراج آمده است «یا أحمد ... فإذا أطيّب مطعک و مشربک فأنت فی حفظی و کنفی» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۳۹)؛ ای احمد اگر خوردن و آشامیدنات پاک باشد در حفظ و حمایت من هستی.

اسلام در زمینه تغذیه آموزه‌هایی دارد و حتی با تعمق در مسأله «حلیت» یا «حرمت» بسیاری از غذاها پرده از روی اسراری در این باره برمی‌دارد.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرمایند: «أدبوا أولادکم فی بطون أمهاتهم، قیل و

کیف ذلک یا رسول الله؟ فقال: باطعامهم الحلال» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲۷، ۲۱۵)؛ فرزندانان را در رحم مادرانشان تربیت کنید. سؤال شد این چگونه ممکن است یا رسول الله؟ فرمودند: با خوراندن غذای حلال (به مادرانشان).

دانشمندان اسلامی، آثار تربیتی و اخلاقی تغذیه را در آنان بسیار مهم می‌دانند. از این رو به دوران شیرخوارگی کودک توجه داشته و رعایت برخی نکات را برای تربیت مناسب طفل ضروری دانسته‌اند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أنظروا من ترضع أولادکم فإنَّ الولد یشبُّ علیہ» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۶، ۴۴)؛ ببینید چه کسی فرزندانان را شیر می‌دهد، چرا که فرزند بر همان پایه رشد می‌کند.

امام باقر علیه السلام نیز درباره اهمیت انتخاب دایه شایسته و این که شیر موجب تأثیر در فرزند می‌شود، فرموده است: «استرضع لولدک بلبین الحسان، و إیاک و القباح؛ فإنَّ اللبنَ قد یعدی» (ری شهری، ۱۳۸۵، ۱۳۶)؛ برای فرزندت شیر دایگان خوب روی را درخواست کن و از شیر دایگان زشت روی پرهیز زیرا که شیر (خصلت‌های شیردهنده را) منتقل می‌کند.

ابوعلی سینا نیز درباره ویژگی‌های اخلاقی دایه می‌نویسد:

و اما در اخلاق او باید که خلق او خوش بود و لجاجت و خیرگی و تندخویی در او نبود و در انفعالات نفسانی، بطیء الانفعال بود و بدان که در جمیع این حالات، مغیر مزاج، شیر می‌باشد و بسیار وقت بود که سرایت کند آن حالت مرضعه بر رضیعه (ابن سینا، ۱۳۹۱، ج ۱، ۴۷۹).

در زمینه تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی انسان جای انکار نیست، از این رو دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن نسبت به تغذیه مادران و فرزندان، توصیه‌های فراوانی نموده که اگر به خوبی اجرا شود مسلماً مشکلات شدید تربیتی پدید نمی‌آید.

امروزه بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی در اثر غذاهایی است که به نحوی از راه حرام به دست آمده و در خانواده‌ها به مصرف می‌رسد. کودکان

که با غذای حرام تغذیه شوند و دوره حساس کودکی را به همین صورت سپری کنند، فطرت دینی آنان به فعلیت در نمی آید. دلیل بر این مطلب کلامی است. از امام حسین علیه السلام که در روز عاشورا پس از ناامیدی از هدایت لشگریان عمر سعد خطاب به آنها فرمودند: «قد ملئت بطونکم من الحرام» (قیومی، ۱۳۷۴، ۲۹۳)؛ به تحقیق، شکم‌های شما از حرام پر شده است.

یعنی گوشت و پوست شما از حرام پرورش یافته و قابل هدایت و اصلاح نیستند و حتی کلام امام معصوم علیه السلام بر شما تأثیری ندارد. در این زمینه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به زنان باردار می فرمودند: «زنان باردار را در آخرین ماه‌های حاملگی خرما بخورانید تا فرزندان شما بردبار و منطقی شوند» (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۶۶، ۱۶۳).

طبق این روایت خوردن خرما در دوره بارداری توسط مادر، به تربیت دینی کمک می کند و او را متدین و باتقوا بارمی آورد. از مجموع روایات برمی آید که تغذیه حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره کودکی بر تربیت دینی کودک تأثیر فراوان دارد. از این رو بر پدران و مادران لازم است به این دستورات معصومین علیهم السلام توجه کنند و از غذاهای حلال استفاده نمایند تا فرزندان صالح و مفید، هم برای خودشان و هم برای جامعه تربیت کنند.

#### ۴. محیط

یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد فرزندان محیط می باشد، که خود دارای انواع مختلفی می باشد. در رابطه با نقش محیط باید بگوییم تجاربی که فرزند از محیط خود کسب می کند، ارتباط و تعاملی که با محیط دارد، بازخوردها و تأثیراتی که از محیط دریافت می دارد، در رشد و شکل‌گیری شخصیت فرزند مؤثر است. بر این اساس هر چند برخی ویژگی‌های شخصیت با پایه و اساس ژنتیک و فطرت در فرد وجود دارند، اما ظهور و بروز آنها به شرایط محیطی بستگی دارد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی نیز عمدتاً توسط محیط در فرد به وجود می آیند و

ریشه‌های ارثی ضعیفی را در آنها می‌توان شناسایی کرد. البته خود این محیط به دو محیط درون خانواده و بیرون خانواده تقسیم می‌گردد، که محیط بیرون خانواده موارد مختلفی را شامل می‌شود.

#### ۴-۱. محیط درون خانواده

از این میان، تأثیر محیط درون خانواده بر تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزند، بسی فزون‌تر و چشم‌گیرتر از محیط بیرون خانواده است.

دامان والدین، نخستین مدرسه برای فرزند است که در آن، همت‌های بلند، ارزش‌های عالی، خلق و خوی نیکو و آزادی یا بالعکس، پستی‌ها، کج خلقی‌ها و انزواطلبی‌ها را آموزد، البته در این امر سهم مادر به مراتب بیشتر از پدر است، از آن جهت که مخصوصاً در سال‌های اولیه تکیه‌گاه فرزند و تنها مورد ارتباط با او مادر است.

نوع ارتباط والدین با همدیگر و همچنین چگونگی تعامل آنها با فرزندان و ارزش‌گذاری آنان نسبت به مسائل مذهبی می‌تواند در چگونگی شکل‌گیری شخصیت مذهبی و اجتماعی فرزندان تأثیر بسزایی داشته باشد.

عوامل متعددی در محیط خانوادگی می‌تواند در تربیت فرزند تأثیر بسزایی داشته باشد، که اهم آن عبارتند از:

۱. شیوه‌های تربیتی یا روش‌های فرزند پروری؛
۲. اهمیت به مسائل مذهبی فرزندان؛
۳. وضع اقتصادی خانواده؛
۴. تعداد افراد خانواده؛
۵. وضع روان‌شناختی والدین؛
۶. تحصیلات والدین؛
۷. پذیرش فرزند؛
۸. نگاه والدین؛

## ۹. روابط برادران و خواهران.

عوامل اشاره شده در رشد و تربیت فرزندان، به خصوص تربیت مذهبی فرزندان بسیار با اهمیت می‌باشد. خانواده‌ای که از لحاظ مذهبی در سطح مطلوبی باشد، محیط مطلوبی را برای تربیت مذهبی فرزندان ایجاد می‌کند.

یکی از اموری که در سالم سازی تربیت مذهبی فرزندان تأثیر فراوان دارد، آموزش محرم و نامحرم، کنترل معاشرت‌ها با جنس مخالف و جداسازی بستر خواب فرزندان است. معاشرت مختلط دختران و پسران در مجالس عروسی و میهمانی‌ها تأثیر فراوانی بر تغییر روحیه دینی و بینش معنوی آنها خواهد گذاشت. بستر کودکان نیز باید در شش سالگی از هم جدا شود. رعایت این اصول به تدریج سبب می‌شود هر یک از پسران و دختران نقش مردانه و زنانه مناسب را یافته و برای دوران بحران‌زای بلوغ آماده گردند.

از امام راحل علیه السلام در این باره خاطره شنیدنی نقل شده است.

از مسائلی که امام علیه السلام زیاد به آن توجه داشتند، محدود بودن روابط زنان و مردان بود. یادم هست که ده سال پیش نداشتم و یا برادرها و پسرخاله‌هایم بازی می‌کردم و در عین حال حجاب نیز به سر داشتم. امام یک روز مرا صدا زد و فرمود: «شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید، مگر او با پسرها بازی می‌کند که شما این کار را می‌کنید؟». از آن روز به بعد دیگر من در بازی پسرها شرکت نمی‌کردم (مطهری، محمد رضا، ۱۳۷۸، ۱۵۳).

محیط درونی خانه نیز باید از هرگونه عوامل منفی در تربیت فرزندان تهی باشد، روابط خصوصی والدین به هیچ وجه نباید در معرض دید فرزندان قرار گیرد. به تدریج باید به کودک آموزش داد که در اتاق خاص خود بخوابد و برای رفتن به اتاق والدین اجازه بگیرد. قرآن کریم نیز در آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نور<sup>۲</sup> به این امر انجام این عمل، موجب پیدایش انحرافات جنسی در بزرگسالی آنها شمرده شده است.

نهاد خانواده یک نظام کوچک اجتماعی است که اعضای آن ارتباط متقابل

با یکدیگر دارند، اگرچه افراد خانواده روابط گوناگونی با هم دارند، ولی آنچه بیش از همه مؤثر به نظر می‌رسد ارتباط کلامی است، زیرا بایدها و نبایدهای دینی و دیگر معارف اسلامی معمولاً در قالب گفتگو و دستورات توسط پدر و مادر به فرزندان القا می‌شود. دستورات والدین نقش اساسی در تربیت دینی فرزند دارد و آنها می‌توانند با ارائه رهنمودهای درست به فرزند خود، پایه‌های فکری او را به شکل کاملاً مطلوب بنیان نهند.

در این زمینه به نکاتی اشاره شده است:

۱. **درست بودن دستورات والدین؛** از عوامل مؤثر در شکل‌گیری نظام فکری و دینی کودک، امر و نهی‌های پدر و مادر و دیگر کسانی است که به او آموزش دینی می‌دهند. کودک تمامی فرمان‌هایی را که از ناحیه والدین و دیگر مربیان نسبت به او صادر می‌شود، درست می‌پندارد و به آنها عمل می‌کند. یکی از شروط تربیت درست کودک و به خصوص تربیت دینی او، درست بودن فرمان‌هایی است که به وی داده می‌شود، به شرط آن که دستورات والدین به فرزندان در زمینه احکام و معارف دینی صحیح و آگاهانه باشد. خداوند در قرآن فرموده است از والدین اطاعت کنید، مگر این که به گناه و شرک دستور دهند، آن جا جای اطاعت نیست.

۲. **هماهنگ بودن دستورات والدین؛** از دیگر عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک، هماهنگی مربیان و به خصوص پدر و مادر در تربیت فرزندان، اعم از تربیت کلامی و غیر کلامی و ارائه ارزش‌ها و معارف دینی به کودکان است، و گرنه ممکن است کودک در اثر اختلافات عملکرد و بینش مربیان دچار تضاد در یادگیری گردد و به اضطراب و بی‌اعتمادی گرفتار شود (دستی، ۱۳۸۰، ۱۱۲) و دچار تزلزل باورها و نظام ارزشی او گردد.

۳. **قابل فهم بودن دستورات والدین؛** یکی از شروط لازم برای تأثیر امر و

نهی والدین در محیط خانه، قابل فهم بودن آن برای فرزند است. پدر و مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی کودک به او دستور دهند.

اساساً شیوهٔ تعلیمات انبیاء علیهم‌السلام در تبلیغ دین به مردم این بوده که با هر کس به قدر استعداد و سطح فهم و درک اش سخن می‌گفتند. به همین دلیل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «ما گروه پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازهٔ عقل‌شان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۸).

امروزه روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیتی نیز به این نتیجه رسیده‌اند و مسألهٔ رعایت تفاوت‌های فردی را مطرح می‌کنند، یعنی، هر کس خصوصیات منحصر به فردی دارد که باید به آن توجه نمود.

۴. **مطابقت گفتار و رفتار والدین؛** یکی دیگر از عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزند، هماهنگی بودن علم و عمل مربی است، یعنی آنچه مربی از کودک می‌خواهد و به انجام آن دستور می‌دهد، پیش از هر چیز، خود عامل به آن باشد. انطباق علم و عمل در محیط خانه، که فضای شکل‌گیری منش‌ها و باورهای دینی و اخلاقی کودک است، استفاده از شیوه‌های مناسب تربیتی در محیط خانه و عرضهٔ درست معارف دینی و مذهبی به فرزندان در تربیت دینی آنان تأثیر فراوان دارد. بنابر این بر پدران و مادران لازم است که تمام تلاش خود را نسبت به تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش به کار گیرند.

#### ۲-۴. محیط بیرون از خانواده

از خانواده که بگذریم، محیط‌های گوناگون دیگری در تشکیل یا تغییر شخصیت فرزند، به ویژه شخصیت مذهبی وی می‌تواند مؤثر واقع شوند.

یکی از نکاتی که در روایات به آن سفارش بسیار شده است انتخاب محیطی سالم برای رشد کودکان و به حداقل رساندن عوامل منفی تأثیرگذار بر آنهاست (حر عاملی، ۱۹۹۰، ج ۱۵، ۱۲۳).

انتخاب محله مناسب، مدرسه خوب، اطرافیان و دوستان شایسته همگی تأثیر بسزایی در تربیت دینی فرزندان داشته و از مسؤولیت‌های مهم والدین به شمار می‌روند. چرا که محیط گناه آلود، روان را فاسد و مسموم ساخته، خانه دل را تاریک می‌نماید. شاید به همین دلیل است که مسلمان حق ندارد در محیط آلوده‌ای که قادر به حفظ دین و عقیده خود در آن نیست، زندگی نماید و کم‌ترین وظیفه او مهاجرت از آن محیط مسموم است (قائمی، ۱۳۷۳، ۴۰). در ادامه به معرفی عوامل محیط بیرون خانواده و همچنین عوامل وابسته به این محیط‌ها و نقش آنها در تربیت مذهبی فرزندان می‌پردازیم.

#### ۴-۲-۱. محیط طبیعی و جغرافیایی

که خود شامل این امور است: نوع آب و هوا (گرمسیری، معتدل یا سردسیری) و منطقه جغرافیایی که فرزند در آن رشد می‌نماید، درصد پاکی یا آلودگی محیط زیست فرزند، مقدار انس فرزند با طبیعت، میزان طبیعی زیستن، میزان نزدیکی یا دوری محل زندگی نسبت به شهرهای مذهبی و فضاهای ویژه معنوی و...

محیط طبیعی و جغرافیایی، در چگونگی رشد و نمو فیزیکی، عقلانی و حتی اخلاقی فرزندانمان تأثیر فراوانی دارد و نیز در شکل‌گیری ساختمان بدنی، قیافه و چهره ظاهری، روحیات معنوی و مذهبی، میزان درایت و استعدادهای هوشی، تعیین سن بلوغ (زود هنگام، بهنگام یا دیر هنگام) و... نقش آفرین است.

در فرایند تربیت و سیر سلوک به سوی حضرت حق، یکی از توصیه‌های اولیا و مربیان الهی، آشنایی و انس با طبیعت (سیر آفاقی) و تأکید بر طبیعی زیستن است.

نخستین توصیه جناب شیخ رجبعلی خیاط به شاگردانش چنین بوده است: «دیدن و شنیدن را خوب درک کنید و این جز با سیر در طبیعت، جایی دیگر نمی‌توانید بیابید. وقتی خوب ببینید و خوب بشنوید، فهم بقیه امور برایتان آسان

می‌شود. مشکل فقط این است که شما بد بینید. کوه را به همان اندازه کوه بینید. عظمت را به همان اندازه عظمت بینید. سرسبزی و طراوت را به همان اندازه بینید».

عوامل جغرافیایی، طبیعی و مادی، موقعیت و وضعیت اقلیمی محل تولد و نشو و نمای کودک نیز تأثیر مهمی در پیدایش نژادهای گوناگون و ساختارهای شخصیت متفاوت در نوع بشر دارد.

ابن خلدون در مقدمه پنجم کتاب خود محیط زندگی مردم را به لحاظ وفور نعمت و فراوانی روزی به دو دسته تقسیم می‌کند: ناحیه‌ای که نعمت‌های مادی، مانند آب، زمین زراعی و انواع میوه‌ها در آنجا فراوان است و مردم از این نظر در رفاه هستند و ناحیه‌ای که نعمت‌ها در آنجا زیاد نیست و مردم از این جهت در سختی هستند. مردمان نواحی پر نعمت بسیار فربه، از سلامتی جسمانی بی‌بهره، در مقابل بیماری‌ها و سختی‌ها ضعیف و کند ذهن هستند؛ بدن‌هایشان خشن، اهل شهوت و خوشگذرانی، و از خدا و عبادت خدا غافل و رویگردان می‌باشند؛ اما مردمان نواحی کم نعمت از سلامت جسمانی برخوردارند؛ رنگ پوستشان شاداب، اندام‌ها و قیافه‌هایشان کامل و زیباست؛ در مقابل بیماری‌ها و سختی‌ها مقاوم، باهوش و رقیق‌القلب می‌باشند؛ اهل غفلت و خوشگذرانی نیستند و بیشتر به عبادت خدا تمایل دارند (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ۳-۵).

بنابر این محیط طبیعی در پیدایش برخی صفات اخلاقی و حالات روانی مانند غفلت از خدا یا توجه به خدا، در پیدایش برخی حالات جسمانی مانند سلامت و مرض و قوت و ضعف بدنی و در پیدایش برخی توانایی‌های ذهنی مانند تیزهوشی یا کند هوشی، مؤثر است. هر یک از ویژگی‌ها در تربیت دینی نیز مؤثرند. این تأثیر ممکن است مثبت یا منفی باشد.

با این حال در این جا این پرسش مطرح می‌شود که آیا محیط طبیعی تا این حد بر ویژگی‌های جسمی و روحی انسان تأثیر دارد و آیا این تأثیر لازمه ذاتی هر محیط است و هرگز از آن جدا شدنی نیست؟

در پاسخ باید گفت: این که هر محیط تأثیر خاصی بر ویژگی‌های جسمی و روحی انسان دارد، قابل تردید نیست، ولی گستردگی دامنه این تأثیر محل تأمل است. همچنین نمی‌توان گفت همه این تأثیرها لازمه جدایی ناپذیر هر محیط است، بلکه چه بسا عوامل دیگری مانند نوع فرهنگ و چگونگی تعامل مردم با یکدیگر نیز در این امر مؤثر باشد؛ برای مثال سخی یا بخیل بودن اهالی یک شهر ممکن است نتیجه فرهنگ آن باشد، نه معلول نوع خاک و آب آن شهر. به هر حال، نمی‌توان تردید کرد که هر محیط طبیعی، تأثیرهای خاصی در انسان و ویژگی‌های او دارد که می‌تواند تسهیل کننده یا دشوار کننده تربیت دینی دارد.

#### ۲-۲-۴. محیط فرهنگی و اجتماعی

در هر جامعه‌ای سنت‌ها، باورها نگرش‌ها و به طور کلی فرهنگ خاصی حاکم است. در آن فرهنگ برای این که فرد به عنوان عضو جامعه پذیرفته شود، خانواده و سایر اعضای جامعه تلاش می‌کنند در پرورش وی ارزش‌ها و باورهای جامعه را لحاظ کنند و براساس فرهنگ حاکم بر جامعه خود به تربیت فرزندان بپردازند. به طور مثال در بعضی از جوامع توجه به فردیت باعث تربیت افراد مستقل می‌شود و یا در بعضی دیگر از فرهنگ‌ها روح همکاری و جمع‌گرایی به عنوان یک اصل پذیرفته شده و رفتارهای متناسب با آن مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرد. به نظر بسیاری از روان‌شناسان، فرهنگ و جامعه باعث نوعی نگرش در آموزش و پرورش شده، باعث ایجاد تبعیض در رشد شناختی کودکان و نوجوانان می‌شود. به عنوان نمونه انتظار پیشرفت در ریاضیات و مهندسی برای پسران و شغل‌های متناسب با آن و انتخاب اسباب بازی‌های متناسب با جنسیت در رشد توانمندی‌های آنها تأثیر مستقیم می‌گذارد.

### ۴-۲-۳. محیط اقتصادی

کودکی که متولد می‌شود با توجه به وضع اقتصادی والدین از امکانات و محرک‌هایی برخوردار است. روشن است چنان چه وضعیت اقتصادی خانواده و جامعه در سطح بالایی باشد، کودک و نوجوان از حداکثر امکانات محیطی، چه در محیط خانواده و چه در مدرسه برخوردار خواهد بود. این افراد به لحاظ فضای زندگی، وسایل بازی و محرک‌های مناسب جهت پرورش قوای حسی از تحریک‌های مناسبی برخوردار هستند.

### ۴-۲-۴. مدرسه

نقش خطیر و مهم تربیت بعد از خانه و خانواده به عهدهٔ مربیان و مدرسه می‌باشد و کودکان بعد از والدین و اعضاء خانواده بیشترین تأثیر را از مدرسه و معلمان خود می‌گیرند. کودکانی که تا به امروز فقط خانواده خود را سرمشق و الگو قرار می‌دادند بعد از ورود به مدرسه معلمان خود را نیز به عنوان الگو قرار می‌دهند. معلمان می‌توانند با توجه به تأثیر نقش‌شان و پیروی بچه‌ها از آنها، مخصوصاً در سنین پایین‌تر، با اخلاق و کردار نیک، دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهند و شخصیت کودکان را هر چه مثبت و مثبت‌تر بسازند. نکتهٔ لازم به ذکر این است که قبل از ساختن و اصلاح بچه‌ها ساختن و اصلاح خویشتن لازم است.

امروزه مسألهٔ بزهکاری اطفال و نوجوانان به صورت یکی از حادترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف انسانی درآمده است، هر چند وقوع جرائم، پدیده‌ای نوظهور در اجتماع بشری تلقی نمی‌شود، پیدایش جوامع و ارتکاب جرم با یکدیگر قرین و همزاد بوده‌اند، اما از آغاز پیدایش جوامع تا به امروز شاید هیچ گاه آدمی تا بدین حد با معضلی به نام بزهکاری، در جامعهٔ خویش مواجه نبوده است و هنگامی که این معضل در میان اطفال و نوجوانان امروز که سازندگان اجتماع فردا هستند ریشه می‌دواند، موجب نگرانی و بیم

بیشتر می‌شود. لذا این مشکل توجه و حساسیت بیشتری را برای یافتن راه‌حل‌های مناسب می‌طلبد، می‌توان گفت: نقش و جایگاه مدرسه و معلم در تربیت (سازندگی یا ویرانی بنای اخلاقی) کودکان بسیار دارای اهمیت است. کودک از روش کار مسؤولان مدرسه، نحوه اعمال انضباط آنان، برخورد آنان با شاگردان، تشویق‌ها و تنبیه‌ها و قدرت جاذبه و دافعه آنان تأثیر می‌پذیرد. کودکان به هر نحو، کم یا بیش از معلمان خود علاوه بر این که می‌آموزند، تأثیر می‌پذیرند. نفوذ معنوی معلم در بین شاگردان به قدری ریشه دارد که با اعمال و رفتار خود به الگو و سرمشق برای کودکان تبدیل می‌شود.

در مواردی که خانواده آشفته و نابسامان است و کودک احساس می‌کند که خانواده برای او پناهگاه قابل اعتمادی نیست، به دوستان پناه می‌برد و از آنان کمک می‌طلبد، به ویژه اگر کودک پدر و مادر نداشته باشد. در این موارد و موقعیت‌ها معلم یا مربی وظیفه دارد که از لحاظ رفتار همراه با مهر و محبت و نحوه تربیت شایسته، نقش یک ولی را ایفا نماید. فضای مدرسه تحت تأثیر عناصر گوناگونی از قبیل معلم، مدیر، ناظم، مستخدم، مسؤول تربیتی و همکلاسی‌ها قرار دارد که همه آنان می‌توانند برای دانش‌آموزان الگو و سرمشق باشند و در شکل‌گیری ابعاد روحانی آنان ایفای نقش نمایند.

امروزه مدرسه به عنوان نهادی آموزشی و پرورشی، بنا به دلایل متعدد، نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها و نگرش‌ها و به طور کلی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان دارد. افزون بر این، در کشورهای غیر لائیک این نهاد نقش عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت دینی دانش‌آموزان نیز ایفا می‌کند. در بررسی نقش مدرسه در تربیت دینی باید توجه داشت که مدرسه دارای اجزائی است که هر یک تأثیرهایی خاص بر نوع رفتارها، نگرش‌ها، باورها و شناخت‌های دینی دانش‌آموزان دارند.

#### ۴-۲-۵. وسایل ارتباط جمعی

انسان در زندگی اجتماعی و در برخورد با غیر خود، نیاز شدیدی به ارتباط دارد و تنها از این طریق است که نیازهای فردی و اجتماعی خود، نظیر نیاز به احساس امنیت و میل به رشد را برآورده می‌کند. انسان از همان آغاز برای برقراری ارتباط و رساندن پیام خود به دیگران، شیوه‌های گوناگونی را به کار برده است، از اشارات، کلمات و اشاره‌های رمزی اولیه گرفته، تا استفاده از پیشرفته‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین وسایل ارتباطی مدرن امروزی، رشد رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی که در طول تاریخ دارای سرعت بسیار کند و ناچیزی بوده، در عصر حاضر شاهد تحول چشم‌گیری است.

از میان آموزش‌های قابل اهمیت پیرامون کودک بعد از خانواده و مدرسه نقش وسایل ارتباط جمعی را می‌توان نام برد، آن هم به دلیل تنوع و جاذبه‌های هنری، کودک و نوجوان و حتی بزرگسال را به سوی خود می‌کشند و به رفتار آنها جهت می‌دهند.

نقش رسانه‌ها در تکوین شخصیت آحاد جامعه به خصوص جوانان و نوجوانان نقشی غیرقابل انکار است. این رسانه‌ها با استفاده از ابزارهای هنری در شناخت، نگرش و رفتار دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. با توجه به تنوع و اثرگذاری رسانه‌ها چنان چه آنها هماهنگ با برنامه‌ریزی‌های نهادهای تربیتی گام بردارند می‌توانند نقش بسیار مثبتی را برای رسیدن به اهداف تربیتی ایفا کنند. در غیر این صورت آسیب‌زا می‌باشند و فرایند تربیتی را مختل می‌نمایند.

شهید بهشتی با اذعان به این مهم می‌گوید: هر قدر بر گوش فرزند بخوانیم (تبلیغ کنیم) او یک خبر در روزنامه می‌خواند، یک تصویر در روزنامه می‌بیند، یک گزارش در تلویزیون می‌بیند، یک فیلم در فلان جا می‌بیند از زندگی دیگران و وضع دیگران و شکل کار دیگران مطلع می‌شود و دلش در خانه دیگران است (بلوشتین، ۱۳۸۶، ۱۶۲).

چگونگی پذیرش و استقبال مردم و نیز تحت تأثیر واقع شدن هر کدام از آنها

از این ابزار و وسایل متفاوت است؛ چرا که استقبال مردم، متأثر از عوامل گوناگونی نظیر: اندوخته‌ها و یافته‌های فرد، دیدگاه‌ها، اعتقادات و ارزش‌هاست. نظر به این که از طرفی حوزه‌های معرفتی و علمی بسیار وسیع بوده و دارای سرعت چشم‌گیری از پیشرفت در زمینه‌های مختلف می‌باشد و به کارگیری صرف روش‌های تقلیدی و نقل و انتقال معارف توسط نظام رسمی تعلیم و تربیت، مؤثر نبوده و بر تمام ابعاد و جوانب امر پوشش کافی ندارد و از طرف دیگر، استفاده و بهره بردن از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های گروهی است و دارای توان بالا و امکانات وسیعی در جهت انتشار بین گروه‌های مختلف مردم می‌باشد، بنابر این کمک گرفتن از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها برای استحکام بخشید به فرایند تعلیم و تربیت و تعمیق آن در زمینه‌های مختلف و حوزه‌های علمی، فنی و ادبی در خارج از مدرسه بیش از پیش ضروری است.

پیام‌هایی که توسط رسانه‌ها رد و بدل می‌شود در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و... است. مخاطبان این پیام‌ها افراد و گروه‌هایی در سطوح مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی‌اند که گاه در مسافت‌های طولانی و دور از هم در سراسر جهان پراکنده‌اند.

از جمله وظایف رسانه‌ها عبارت است از یاددهی و یادگیری، اندیشه پروری، هدایت و راهنمایی، افزایش آگاهی‌های اجتماعی و رشد اجتماعی در ابعاد مختلف؛ بنابر این، تأثیرگذاری رسانه‌ها بر افراد غیرقابل انکار و اجتناب‌ناپذیر است. از طرف دیگر روش‌های تقلیدی تدریس در مدارس که انتقال دانش و معلومات و پس گرفتن آن در ایام امتحانات می‌باشد، به تنهایی برای تغییرات و تحولات مورد نظر اجتماع کافی نیست. علاوه بر این، دست‌یابی جهانیان به تمام جهان توسط رسانه‌های گروهی و تبدیل تمام جهان به یک دهکده جهانی، مسؤولیت سازمان‌ها و مؤسسات آموزشی و تربیتی و دولت‌ها را بیش از گذشته کرده است؛ چرا که این مراکز و مؤسسات نقش بسیار مهمی در امر تشکیل و سازندگی شخصیت انسانی افراد و تحقق رسالت مدرسه و اهداف آن دارند.

## ۴-۲-۶. ابعاد تربیتی رسانه‌ها

رسانه‌ها در ابعاد مختلف می‌توانند جوانان را تربیت نمایند:

### الف - تربیت اخلاقی

این امر از چند طریق صورت می‌گیرد:

۱. دعوت به ارزش‌های اخلاقی: رسانه‌ها می‌توانند با دعوت به خوبی‌ها و ارزش‌های اخلاقی جوانان را تربیت نمایند. این امر هم به صورت مستقیم مانند سخنرانی، درس، مقاله و... و هم به صورت غیرمستقیم مانند فیلم‌ها و برنامه‌های دیگر حاصل می‌گردد.

۲. پرورش نیروی عقلانی: پرورش نیروی عقلانی یکی از راه‌های تربیت اخلاقی می‌باشد (دیلمی و آذربایجان، ۱۳۷۷، ۲۹۵).

رسانه‌ها می‌توانند با دادن بینش صحیح و اصلاح نگرش غلط، نیروی عقلانی جوانان را بالا ببرند.

۳. روش عبرت‌آموزی: مثلاً رسانه‌ها با آگاه کردن جوانان نسبت به عواقب وخیم فساد، اعتیاد، بی‌بند و باری و... می‌توانند جوانان را تربیت نمایند.

۴. پرورش ایمان: ایمان و اعتقاد به خداوند، اولین اصل تربیتی و مهم‌ترین بنای اساسی در جهان بینی و نظام فکری در تعلیم و تربیت انسان است (فرهادیان، ۱۳۸۲، ۲۸). ایمان و اعتقاد سبب تصحیح رفتار، تهذیب اخلاق، تزکیه نفس و پیشرفت و تعالی و رستگاری و خوشبختی انسان می‌شود. همین اصل بود که یقین را در سلمان، شجاعت را در ابوذر، استقامت را در بلال و انفاق و ایثار را در خدیجه ع و... جلوه گر می‌ساخت (فرهادیان، ۱۳۸۲، ۲۹).

### ب - تربیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

۱. آموزش و تصحیح رفتارهای اجتماعی: رسانه‌ها می‌توانند با برنامه‌های مختلف، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، نحوه رفتارهای اجتماعی را به جوانان

بیموزند و رفتارهای غلط اجتماعی را در جوانان تصحیح نمایند و آداب معاشرت و مهارت‌های روابط اجتماعی را براساس بینش الهی و انسانی به آنها آموزش دهند.

۲. تربیت انسان به لحاظ اقتصادی: رسانه‌ها می‌توانند با دادن بینش‌های لازم، جوانان را در این زمینه تربیت نمایند؛ همان گونه که با دادن نگرش غلط و ایجاد اشتباهی کاذب می‌توانند از آنها سوء استفاده کنند.

بنابر این رسانه‌ها می‌توانند در تربیت صحیح جوانان نقش اساسی ایفا نمایند و همچنین می‌توانند با برنامه‌های نامناسب خود موجب رفتارهای نامناسب جوانان گردند و آنها را غلط تربیت نمایند و این امر باعث حساسیت رسانه‌ها می‌گردد.

زندگی انسان ابعاد مختلف روان‌شناختی، عاطفی، سیاسی، اقتصادی، عبادی، اجتماعی و... دارد. رسانه‌ها باید در هر زمینه به انسان‌ها بینش‌هایی دهند و از طریق آموزش دروس و بررسی مشکلات جوانان و ارائه راه‌حل‌ها، مهارت‌ها و نیازهای زندگی (مادی و معنوی) به پرورش ابعاد مختلف زندگی انسان پردازند و انسان را نسبت به اهداف زندگی آگاه‌تر سازند و با چاه‌ها و خطرهای راه آشنا نمایند.

نخست از راه الگو دادن، آن چه فرزندان در تلویزیون به ویژه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی می‌بینند می‌تواند الگویی برای رفتار، نگرش و شخصیت آنان باشد. فرزند با تقلید از قهرمانان فیلم و همانند سازی، ویژگی‌های شخصیتی آنها را می‌آموزد و به تدریج این الگوها در او درونی و تثبیت می‌شود. تحقیقی که در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهد فیلم‌های خشن باعث می‌شود کودکان پر خاش‌گر شوند.

دوم از راه ارائه اطلاعات؛ برنامه‌هایی که از این رسانه‌ها پخش می‌شود اطلاعات گوناگونی در اختیار قرار می‌دهد که ممکن است برای کودکان قابل فهم نباشد، یا توانایی تحمل آنها را نداشته باشد، در هر دو حالت این اطلاعات تأثیری منفی خواهد گذاشت. در مقابل، اگر اطلاعات متناسب با توانایی‌های

شناختی و عاطفی فرزندان و حاوی مطالبی مفید در بعد اخلاقی، اجتماعی و آموزشی باشد می‌تواند تأثیری مثبت بگذارد.

#### ۴-۲-۷. مؤسسات دینی و فرهنگی

مراد از مؤسسات دینی و فرهنگی، مساجد، هیأت‌های مذهبی، مجالس روضه و نیز فرهنگ‌سراهاست. برخی از این مؤسسات به لحاظ گستردگی و نیز ریشه داشتن در فرهنگ اسلامی، قلمرو و قدرت عمل بیشتری دارند (مسجد از این نظر در صدر و هیأت‌های مذهبی و مجالس روضه در رتبه دوم قرار دارند). در دوره معاصر مؤسسات جدیدی به نام فرهنگ‌سرا تأسیس شده که گرچه از نظر گستردگی و قدرت عمل به سطح مؤسسات سنتی نمی‌رسند، ولی می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش ایفا کنند.

در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در ۲۸ استان کشور انجام پذیرفته و نتایج آن در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است، میزان حضور دانش‌آموزان در عزاداری تاسوعا و عاشورا، زیارت اماکن متبرکه، مجالس روضه، هیأت‌های مذهبی و مسجد قابل توجه است. مساجد در تربیت دینی، به ویژه تربیت اعتقادی و عبادی نقش برجسته‌ای دارند؛ همچنین در ایجاد نگرش مثبت به دین، اولیای دین و فرهنگ دینی مؤثرند (ر.ک: روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۲۰، ۱۱).

در کنار مساجد و همگام با آنها، هیأت‌های مذهبی و مجالس روضه و عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام نیز در پرورش علاقه و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام، آشنا کردن مردم با فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، تاریخ و سیره آنان و آموزش قرآن و احکام نقش مهمی داشته‌اند.

زیارت اماکن مذهبی نیز نقش مهمی در تربیت دینی ایفا می‌کنند. در این زیارت‌ها زائر با بخشی از تاریخ اسلام، تاریخ و سیره سیاسی، علمی و فرهنگی پیشوایان دین، شرایط زندگی آنها و تأثیر آنها و تأثیر آنها بر تاریخ مسلمانان آشنا می‌گردد. همچنین این زیارت‌ها عشق و علاقه زائر به پیشوایان دین را تقویت

می‌کنند.

#### ۸-۲-۴. گروه‌های مراجع

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تربیت دینی، رهبران اجتماع هستند. منظور از رهبران اجتماع کسانی هستند که در جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کنند که اگر فرزند از آنها تخلفی ببیند دچار تناقض و تردید می‌شود.

#### ۹-۲-۴. عنایت خداوند

عنایت خداوند برای تربیت فرزند مؤلفه دیگری است که نباید مورد غفلت واقع شود. خانواده علاوه بر توجه به توجه دیگر، باید از طریق دعا و توسل و توکل به ساحت مقدس اولیای دین از عنایت خداوندی در این راه برخوردار باشد.

#### ۱۰-۲-۴. نقش انگیزش وارده در تربیت کودکان

یکی از ویژگی‌های انسان در مقایسه با موجودات دیگر، برخورداری از اراده و اختیار است. صدور بسیاری از افعال انسان مشروط به این است که انسان انجام دادن آن را انتخاب و اراده کرده باشد. بدین سبب، ممکن است دو نفر در شرایط محیطی یکسان، دو رفتار جداگانه انجام دهند.

البته، این امر به معنای نادیده گرفتن تأثیر نیازهای جسمانی و روحانی و عوامل محیطی نیست، بلکه تنها بدین معناست که اراده انسان شرط لازم برای صدور بسیاری از افعال است و بدون این شرط گرچه تمام شرایط دیگر نیز فراهم باشد، فعلی از او صادر نخواهد شد. خداوند می‌فرماید: «ما انسان را از نطفه‌ای درهم آمیخته آفریدیم تا او را بیازمائیم، پس او را شنوا و بینا کردیم. ما راه را به او نشان داده‌ایم، او یا شکرگزار خواهد بود و راه راست را انتخاب خواهد کرد، یا ناسپاس و راه باطل را»<sup>۳</sup>. مطابق این آیه، سنت خداوند هدایت و راهنمایی

انسان، اما انتخاب راه راست و قدم نهادن در آن یا راه باطل و پیمودن آن به عهده خود انسان است.

لذا در میان مؤلفه‌های مؤثر، اراده نقش مهمی در تربیت دینی انسان دارد، سعادت و شقاوت آدمی به دست خود او است و چنان چه خود در سعادت حقیقی‌اش تلاش نکند، دیگر عوامل نمی‌توانند او را به سعادت برسانند.

براساس این عوامل تربیتی باید عنصر اراده را در فرزندان پرورانید و تقویت کرد. برای این کار باید کودک را به گونه‌ای پرورش داد که احساس کند آزاد است و می‌تواند تصمیم بگیرد و انتخاب کند.

میزان اراده از خواص فطری انسان نیست، بلکه اراده نیز همانند بسیاری از صفات بسیاری از صفات در جریان فعالیت انسانی شکل می‌گیرد و شرایط زندگی سهم عظیمی در تکامل اراده دارد. یک اراده پخته و رسیده یک خاصیت ترکیبی است که تحت تأثیر جهان بینی و پایه‌های اخلاقی انسان، تمایلات او، شایستگی‌های او، به دنبال هدف رفتن‌های او و... شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. طبیعی است که درباره اراده کودک خردسال نمی‌توان آن مفهوم اراده بارور رسیده را که مربوط به انسان بالغ است تطبیق داد.

#### ۴-۲-۱۱. گروه همسالان و دوستان

گروه دیگری که بر شخصیت کودک تأثیر زیادی می‌گذارند، گروه دوستان و همسالان می‌باشد. کودکان در هفت سال اول زندگی بیش از هر وقت تحت تأثیر والدین خود هستند، ولی با ورود به مدرسه و سن نوجوانی بیشتر تحت تأثیر دوستان و همسالان خود می‌شوند و آنان را الگوی خود قرار می‌دهند و از آنان پیروی می‌کنند.

در منابع اسلامی آیات و روایات فراوانی وجود دارد که بیان‌گر تأثیر عمیق دوستان خوب و بد می‌باشد.

دوست شدن با دوستان ناباب، انسان را از راه حق منحرف می‌کند و با داشتن

دوستان خوب، انسان از عذاب الهی نجات می‌یابد. در قرآن کریم آمده: «دوستان در این روز دشمن همدیگرند، مگر پرهیزگاران»<sup>۴</sup>.

این آیه نشان می‌دهد که دوستان بد، هر قدر هم که در دنیا دوستی‌شان عمیق باشد، در روز قیامت دشمنان یکدیگر می‌شوند و دوستان خوب هر قدر هم که در دوستی‌شان ضعیف باشند، در روز قیامت هم دوستان همدیگر می‌باشند.

احساس تعلق و وابستگی به دیگر انسان‌ها از اساسی‌ترین نیازهای فردی است که در زمینه‌های مختلفی از جمله روابط با همسالان بروز می‌کند و بر رشد روانی، جسمی و اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. همسالان در دو دوره از زندگی (کودکی و نوجوانی) نقش بسزایی در تحول افراد دارند. همسالان در سلامت روان، رشد شخصی، رشد اجتماعی، رشد شناختی، دیدگاه‌گیری، هویت‌یابی، الگویابی جنسیتی، رشد عواطف و هیجانات، درمان اختلالات کودکی و نوجوانی، آموزش و یادگیری، نقش‌های مثبت ایفا می‌کنند. اما باید در نظر داشت در کنار این ابعاد مثبت، همسالان در ابعاد منفی نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند نظیر یادگیری پرخاش‌گری و خشونت، بزهکاری، فاصله گرفتن از والدین و خانواده و...

در سنین دبستانی و پیش‌دبستانی، کودکان علاقه‌مند به برقراری ارتباط با همسالانی‌اند که شاد و زیبا باشند و اسباب بازی‌ها، خوراکی‌ها و وسایل خود را در اختیار آنان قرار دهند. ارتباط و دوستی‌های این دوره حالت موقت و گذرا داشته، به سرعت شکل می‌گیرند و سریعاً تغییر می‌کنند. ویژگی‌های ارتباطات خاص این دوره تقریباً مطابق رشد اخلاقی کودکان است که در این سنین کودک پای‌بندی مداوم به ارتباطات خود ندارد، به راحتی دوستانش را کنار می‌گذارد، در سال‌های میانه و پایانی کودکی ارتباط براساس کمک به یکدیگر و رفع نیازهای هم شکل می‌گیرند و اعتماد به هم نقش مهمی در تداوم آن ایفا می‌کند. کودکان درکی ذهنی از دوستان پیدا می‌کنند و دوستان تنها اشخاصی نیستند که با هم بازی می‌کنند، بلکه کسانی‌اند که ویژگی‌ها و مشترکات خاصی

بین آنها برقرار است که یکی از آنها دوست داشتن همدیگر است. در دوران نوجوانی همسالان مهم‌ترین نقش را در فرایند اجتماعی شدن فرد بازی می‌کنند. دوستان و همسالان علاوه بر این که از عوامل مهم اجتماعی شدن فرد به شمار می‌آیند، می‌توانند روی یادگیری، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های کلامی فرد نیز مؤثر باشند. از مهم‌ترین آثار مثبت همسالان، از بین بردن خودمداری است که ارتباط با همسالان از دورهٔ پیش از دبستان کودک را به تدریج از حالت خودمداری و دین خود در مرکز دنیا خارج می‌کند. در محیطی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت‌های اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می‌شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می‌یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می‌کند. ناتوانی در برقراری رابطهٔ مطلوب بین همسالان، موجب طرد و عدم محبوبیت می‌شود. شواهد پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانش آموزان مطرود و فاقد ارتباط سالم، پرخاش‌گرترند و رفتارهای نامناسب دارند. پیشرفت تحصیلی و انگیزش آنها اندک است و از اختلالات هیجانی، اضطراب و افسردگی بیشتر رنج می‌برند (www.tebyan.net).

مسئلهٔ مهم در این جا این است که بدانیم گروه دوستان و همسالان از چند راه بر رفتار، نگرش و شخصیت فرد تأثیر می‌گذارند. نخست از راه الگو دادن؛ فرد با دیدن رفتار و گفتار دوستان خود تلاش می‌کند رفتار و گفتار خود را نیز با آنها همانند کند. گاه چنان تحت نفوذ گروه دوستان خود قرار می‌گیرد که حتی نوع لباس پوشیدن، آرایش مو و طرز سخن گفتن آنها را نیز تقلید می‌کند.

دوم از راه ارزشیابی فعالیت‌های فرد؛ گروه، فعالیت‌های هر یک از اعضا را ارزیابی می‌کند و به آنها بازخورد می‌دهد. این بازخوردها در فرد تأثیر گذاشته و رفتار و نگرش او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به علاوه گروه دوستان و همسالان منبع اطلاعات نیز هستند. هر یک از اعضای گروه، اطلاعات خود را در اختیار

سایر اعضا قرار می‌دهد. اطلاعاتی که مبادله می‌شود بر نگرش آنها و در تعیین سلیقه آنها تأثیر می‌گذارد.

﴿۱۳۱﴾

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت گروه دوستان و همسالان از طرق مختلف بر تربیت دینی فرزندان تأثیر می‌گذارند، البته در این جا باید به این نکته اشاره کنیم که تأثیر گروه بر فرد صد در صد نیست، به گونه‌ای که فرد نتواند در برابر آنها مقاومت کند. با وجود این، با توجه به این که فرزندان در این سنین از قدرت تفکر بالا و اطلاعات غنی و نیز پختگی در روابط اجتماعی محروم هستند، گروه دوستان تأثیر زیادی در شکل‌گیری شخصیت آنها دارند.

#### ۴-۲-۱۲. وظیفه والدین نسبت به دوستی‌های کودکان و نوجوانان

- والدین و مربیان باید اقتضای روحی و روانی دوران جوانی را برای جوانان تشریح کنند و آنان را به وضع روحی و روانی‌شان آگاه سازند. اگر بتوانند خطر رفقای ناصالح و ضرر تدروی در رفاقت را به جوانان بفهمانند و با منطقی مستدل و خیرخواهانه آنان را از رفاقت با افراد ناصالح و خلاف‌کار و افراط در دوستی بر حذر دارند، توانسته‌اند وظیفه خویش را نسبت به آنها در مورد انتخاب دوست انجام دهند و از این راه موجبات خوشبختی و سعادت-شان را فراهم سازند (محمدی، ۱۳۸۵، ۶۵).
- والدین آگاه می‌کوشند تا با فراهم کردن شرایطی، امکان انتخاب بهترین دوستان را به فرزندان خود بدهند و به طور مستقیم و غیرمستقیم آنها را با معیارهای صحیح انتخاب دوست آشنا سازند، خطرات دوستی‌های نامناسب را در قالب وقایع و حکایات و تشویق به مطالعه کتاب و غیره به طور مستقیم به او یادآوری و آموزش دهند تا کمبود تجربه او را بدین وسیله تا اندازه‌ای جبران کند.
- والدین باید زمینه و بستر مناسبی را برای دوستان خوب فراهم نمایند. مثلاً روابط دوستانه یا خانوادگی یا شغلی والدین با افراد خاص، محل‌هایی که

برای زندگی خود انتخاب می‌کنند و مدرسه‌ای که فرزندان را در آن نام نویسی می‌نمایند و جاهایی که برای گردش و تفریح و... می‌روند، همه این موارد هدف‌دار و جهت‌دار باشد، چون این گونه مجالس در شکل دادن به دوستی‌های کودکان و نوجوانان با افراد معین مؤثر است.

- والدین به نحوی که فرزندان خود را حساس و بدبین نکنند، مراقب نشست و برخاست او باشند و اگر تشخیص دادند که یکی از معاشران او اهلیت تربیتی و اجتماعی ندارد، زمینه قطع ارتباط او راه فراهم سازند و در صورت نیاز از همفکری و کمک افرادی که مورد احترام و وثوق فرزند می‌باشند برای تأثیرگذاری بر تصمیم وی استفاده کنند (زرهانی، ۱۳۸۰، ۵۰).

- والدین به فرزندان خود معیار بدهند و آنان را با خصوصیات و ویژگی‌های دوست خوب و بد آشنا سازند و در جلسات خانوادگی و جشن‌ها و مراسم مواظب باشند که فرزندان در دام دوستان ناباب گرفتار نشوند (زرهانی، ۱۳۸۰، ۵۱).

- والدین وقتی متوجه شدند فرزندشان دوست ناباب دارد، سعی نمایند با مشورت با مشاور، برخوردی صحیح، منطقی، مستدل و دوستانه داشته و از برخوردهای لحظه‌ای، تند و غیرمنطقی خودداری نمایند.

- والدین زمینه‌ای را فراهم سازند تا نوجوانان آنان با دوستان و معاشران مذهبی و تربیت یافته همدم و مأنوس شوند و زمانی که دارای دوستان خوبی هستند به طور غیرمستقیم زمینه استمرار و ادامه دوستی آنان را فراهم نمایند.

### پیام‌ها و نتایج

- نیاز به دوست از نیازهای اساسی نوجوانان است، داشتن دوستان خوب برای جوانان اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌توانند از این طریق شخصیت خود را تقویت و استعدادهای اجتماعی خود را به فعلیت درآورده و زمینه استقلال خود از والدین و سایر بزرگسالان را فراهم آورند.

- در دوره نوجوانی گروه همسالان بیشترین تأثیر را دارند؛ حتی از والدین و معلمین تأثیرشان بیشتر است.
  - در ارتباط با محدودیت و یا آزادی دادن به نوجوانان نباید افراط و تفریط داشته باشیم، اعتدال در این رابطه بهترین شیوه است.
  - والدین ضمن این که فرزندان خود را از معاشرت با دوستان ناشایست منع می‌کنند، آنها را در یافتن دوست خوب کمک کنند و در این زمینه شرایط و امکانات لازم را فراهم آورند.
  - در سنین نوجوانی وظیفه والدین است که به صورت غیرمحسوس، عاقلانه و منطقی بر رفت و آمدهای نوجوانان نظارت و کنترل داشته باشند.
  - والدین و مربیان معیارهایی که اسلام برای انتخاب دوست بیان کرده، به فرزندان‌شان آموزش دهند.
  - والدین نسبت به وظایف خویش در قبال کودکان و نوجوانان آگاه باشند و با آگاهی و درایت زمینه رشد و بالندگی فرزندان‌شان را فراهم سازند.
  - امام خمینی علیه السلام با توجه به نیازهای نوجوانان و تأثیری که دوستان در این سن دارند به والدین سفارش و تأکید می‌کنند که بر رفت و آمد آنان نظرت و کنترل بیشتری داشته باشند.
- همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «لا تعجب الشریر فإنَّ طبعک یسرق من طبعه شراً و أنت لا تعلم» (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۵م، ج ۲۰، ۲۷۲)؛ با بدان منشین که طبعت، بدون این که متوجه شوی بدی را از دوست می‌گیرد.
- تحقیقات روان‌شناسان نیز این مطلب را تأیید کرده است. مطابق این تحقیقات کودکان نیز رفتارهای پرخاش‌گرانه، مانند گرفتن اسباب بازی‌های دیگران و تجاوز به قلمرو دیگران و نیز رفتارهای جامعه‌پسند مانند دوستی، همکاری، سخاوت، مشارکت و کمک به دیگران را از دوستان و همسالان خود می‌آموزند و کنش متقابل با دوستان و همسالان، این رفتارها را در آنها تثبیت می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (منافقون/۶).
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَلَا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَلُوفٌ مِّنْ قَلْبٍ لَّكُم لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ، وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این،] سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند، و خدا دانای سنجیده کار است. و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد، و خدا دانای سنجیده کار است.
۳. ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا﴾؛ ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و آتشی فروزان آماده کرده‌ایم.
۴. ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ (زخرف/۶۷).

### منابع و مآخذ

#### \* قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۹۹۵م)، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۹)، مقدمه تاریخ، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، اندیشه نو.
۳. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۱)، القانون فی الطب، ج ۱، تهران، چوگان.
۴. بلوشتین، جین (۱۳۸۶)، یکصد باید و نباید تربیت، ترجمه مریم میرزایی، تهران، بهشتیان.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، قم، انتشارات اسراء.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۹۹۰م)، وسائل الشیعه، ج ۱۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. دشتی، محمد (۱۳۸۰)، مسؤولیت تربیت، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.
۹. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجان (۱۳۷۷)، اخلاق اسلامی، قم، نشر و پخش معارف.

۱۰. زرهانی، احمد (۱۳۸۰)، *نگاهی به نقش‌های تربیتی خانه و مدرسه*، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان.
۱۱. سید رضی (۱۳۸۷ق)، *نهج البلاغه*، به تصحیح دکتر صالح صبحی، قم، انتشارات هجرت.
۱۲. فرهادیان، رضا (۱۳۸۲)، *والدین و مربیان*، قم، بوستان کتاب.
۱۳. قائمی، علی (۱۳۷۳)، *هدایت نوجوانان به سوی نماز*، تهران، ستاد اقامه نماز.
۱۴. قریشی‌راد، فخر السادات (۱۳۷۶)، *دیدگاه اسلام در روانشناسی رشد*، تبریز، احرار.
۱۵. قیومی، جواد (۱۳۷۴)، *صحیفة الحسین*، قم، انتشارات اسلامی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، *الکافی*، ج ۱، قم، موعود اسلام.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، *الکافی*، ج ۵، قم، موعود اسلام.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، *الکافی*، ج ۶، قم، موعود اسلام.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۹)، *بحارالانوار*، ج ۲۵، تهران، دانش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۹)، *بحارالانوار*، ج ۲۷، تهران، دانش.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۹)، *بحارالانوار*، ج ۶۶، تهران، دانش.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد مهدی (۱۳۸۵)، *حکمت نامه کودک*، ترجمه عباس پسندیده، قم، دارالحديث.
۲۳. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۸۷)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ج ۱۶، بیروت، المكتبة الاسلامی.
۲۴. محمدی، علی اکبر (۱۳۸۵)، *تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)*، قم، عروج اندیشه.
۲۵. مطهری، محمد رضا (۱۳۷۸)، *جلوه‌های رفتاری خمینی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *مجموعه آثار*، ج ۳، تهران، صدرا.
۲۷. موسوی فراز، سید محمد رضا (۱۳۸۷)، «فطرت خداجویی و نقش آن در تربیت انسان»، *مجله رواق اندیشه*، ش ۱۲.
۲۸. روزنامه ایران (۱۳۸۲/۳/۲۰).
۲۹. سایت تبیان: [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)